



Critical Ethnography of Development and Economic Distinctions in Multicultural Regions (Case Study: Takab City)

Hossein Daneshmehr^{1✉}  Hossein Moradi² 

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Sociology. Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: hdaneshmehr@yahoo.com
2. Master of Sociology, Department of Sociology. Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: hm465570@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 26 August 2024
Received in revised form 29 September 2024
Accepted 10 March 2025
Published online 9 April 2025

Keywords:
Multicultural Societies,
Ethnicity, Regional
Underdevelopment, Economic
Inequality, Economic
Advancement.

ABSTRACT

This research employs a critical ethnographic approach to investigate intercultural relations and socioeconomic dynamics in multicultural regions. Drawing upon the theoretical frameworks of structural Marxists, including Frank, Poulantzas, and Althusser, as well as the urban sociological perspectives of Harvey and Lefebvre, this study examines the relationship between cultural pluralism, economic success among diverse ethnic groups, and the impact of ethnic diversity and societal polarization on urban development. Data were collected through participant observation and in-depth interviews with 28 individuals from Takab, a multicultural city. A purposive and maximum variation sampling method was used to select participants based on their occupation and ethnicity, ensuring a comprehensive understanding of the community's diverse experiences. Our findings indicate that economic disparities in Takab are not a result of inherent cultural traits or characteristics of ethnic groups. Instead, these differences are fundamentally rooted in structural factors and macro-level policies. Ethnicity emerges as a significant determinant of economic relationships, and ethnic diversity is shown to have a considerable impact on economic growth and development. Furthermore, the study reveals that institutional ethnic discrimination has weakened intercultural communication and exacerbated ethnic divergence within the city. Cultural groups now tend to "other" each other, actively creating and maintaining distinct social boundaries. Therefore, we conclude that the key to rebuilding cultural relations in multicultural areas lies in promoting balanced development through trans-ethnic approaches to economic policy. This research underscores the need for policies that address systemic inequalities rather than attributing economic outcomes to cultural differences.

Cite this article: Daneshmehr, H; & Moradi, H (2015). Critical Ethnography of Development and Economic Distinctions in Multicultural Regions.. *Sociological Review (Social Science Letter)*, 32 (1), 199-217.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.363639.1891>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.363639.1891>

اتنوگرافی انتقادی توسعه و تمایزات اقتصادی در مناطق چندفرهنگی

(مطالعه موردی: شهر تکاب)

حسین دانش‌مهر^۱ | حسین مرادی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: hdaneshmeh@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: hm465570@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰ کلیدواژه‌ها: جوامع چندفرهنگی، قومیت، توسعه نیافتگی منطقه‌ای، نابرابری اقتصادی، موفقیت اقتصادی	پژوهش حاضر با اتکاء بر نظریات مارکسیست‌های ساختارگرا مانند فرانک، پولانزاس و آلتوسر و نظریات هاروی و لوفور در حوزه‌ی جامعه‌شناسی شهری، و با استفاده از روش اتنوگرافی انتقادی به بررسی روابط بین فرهنگی، مناسبات اجتماعی و اقتصادی در مناطق چندفرهنگی می‌پردازد. همچنین این تحقیق در پی نشان دادن ارتباط پلورالیسم فرهنگی با موفقیت اقتصادی اقوام مختلف و تاثیر تنوع قومی و قطبی بودن جوامع بر فرآیند توسعه در شهرهای چندفرهنگی است. داده‌ها از طریق مشاهدات مشارکتی و مصاحبه عمیق گردآوری شده است و با ۲۸ نفر از افراد جامعه آماری به شیوه هدفمند و حداکثر تنوع بر اساس نوع شغل و قومیت مصاحبه صورت گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که تمایزات اقتصادی در شهر چندفرهنگی تکاب، به دلیل ویژگی‌ها و خلیقات فرهنگی گروه‌های قومی نیست، بلکه ناشی از عوامل ساختاری و سیاست‌گذاری‌های کلان است. قومیت، یکی از عوامل مهم شکل‌دهنده مناسبات اقتصادی است و تنوع قومی، تاثیر قابل توجهی بر رشد و توسعه‌ی اقتصادی دارد. تبعیض قومی که به‌میانجی سیاست‌های نهادی در این شهر اعمال می‌شود سبب کم‌رنگ‌تر شدن ارتباطات میان فرهنگی و افزایش واگرایی قومی میان گروه‌های فرهنگی نسبت به گذشته شده است. این گروه‌ها با یکدیگر غیریت‌سازی می‌کنند و سعی می‌کنند فاصله و مرزهای اجتماعی مشخصی با یکدیگر داشته باشند. از این رو، اصلی‌ترین امکان بازسازی روابط فرهنگی در مناطق چندفرهنگی توجه به توسعه موزون و بر اساس رویکردهای فراقومیتی در توسعه اقتصادی است.

استناد: دانش‌مهر، حسین؛ و مرادی، حسین (۱۴۰۴). اتنوگرافی انتقادی توسعه و تمایزات اقتصادی در مناطق چند فرهنگی. *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)*، ۳۲ (۱)، ۱۹۹-۲۱۷.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.363639.1891>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

فرهنگ علاوه بر تاثیرگذاری بر رفتار اقتصادی و توسعه، بر مشارکت سیاسی، پیوستگی و همبستگی اجتماعی، بازآوری میراث گذشته، شکل‌گیری و تکامل ارزش‌ها اثرگذار خواهد بود؛ بنابراین، فرهنگ به شیوه‌های مختلف با توسعه در کنش متقابل است و هم در اهداف و هم در ابزار توسعه مشارکت دارد (سن، ۱۳۹۳: ۴۵). برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، که جوامع چندفرهنگی و چندقومیتی را به سمت و سوی وفاق و همگرایی سیاسی و کاهش تضاد و ایجاد فرصت‌های اقتصادی و برابری‌های اجتماعی هدایت می‌کنند؛ در جوامع جهان‌سومی از جمله ایران، چندفرهنگی‌بودن چندان به رسمیت شناخته نمی‌شود و توجه به یک گروه زبانی و فرهنگی خاص، خود بزرگترین عامل بر ساخته‌شدن نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای است. آندره اس ویمر، مرزبندی و مرکزشی‌های قومیتی جزء ذاتی کشمکش بر سر اعتبار و قدرت می‌داند که در بطن فرآیند انسداد/گشودگی سیاسی و اجتماعی قرار دارند (ویمر، ۱۳۹۶).

در جامعه چندفرهنگی ایران، تمرکزگرایی و عدم توجه به پیرامون مشکلات اقتصادی و توسعه‌نیافتگی در زیرساخت‌های شهری مناطق چندفرهنگی را بیشتر کرده و به فراخور آن، فرآیند توسعه نیز با چالش‌های اساسی مواجه شده است. سیاست‌گذاری‌های نهادی در امور زیربنایی، آموزش و بهداشت، مخابرات و عمران روستایی، راه و ترابری و زیرساخت‌های شهری و چگونگی ارائه خدمات دولتی، نابرابری قومی و اجتماعی را در این شهر هرچه بیشتر تولید و بازتولید کرده است. بنابراین، چگونگی توزیع و تخصیص منابع و ظرفیت‌های اقتصادی در میان مناطق مختلف و روابط اجتماعی میان گروه‌های قومی و فرهنگی داخل کشورها همواره یکی از مهم‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین موضوعات در حوزه‌های سیاست‌گذاری داخلی در سطح کلان کشور بوده است. در جوامع چندفرهنگی که با گروه‌های زبانی و فرهنگی مختلف شناخته می‌شود، فرآیند توسعه از روند یکسانی برخوردار نیست و به علت سیاست‌گذاری‌های نهادی، آهنگ رشد و توسعه‌ی مناطق چندفرهنگی و چندزبانی چندان متوازن و برابر نیست؛ در این مناطق که در آن تمایز اقتصادی باعث به‌وجود آمدن فضای دوقطبی در جامعه می‌شود، با سیمای ناهمگون و نامتعادلی از شهر و حاشیه‌ها مواجه می‌شویم که تداعی‌کننده منظره‌ای متعارض از شهری مدرن و سنتی است. تقسیم‌بندی شهر به مناطق توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته، به خوبی نشان می‌دهد که در فرآیند توسعه، نگاه ابزاری و دیدگاه سیاسی نسبت به قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف تا چه اندازه تنگ‌نظرانه بوده و می‌تواند روند توسعه‌ی یک منطقه‌ی جغرافیایی را با چالش مواجه کند و اختلافات و تقابل میان قومیت‌ها را هرچه بیشتر دامن بزند.

تکاب، یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی است. از لحاظ پراکنش قومیتی و مذهبی، شهر دارای دوگانه قومیتی (کرد و آذری) و دوگانه مذهبی (سنی و شیعه) و تعدادی از پیروان اهل حق است. شهر تکاب در یک نگاه، کاملاً خدماتی و اقتصاد روستایی آن مبتنی بر کشاورزی و دامداری است و واحدهای صنعتی کلان در آن به چشم نمی‌خورد. اشتغال‌زایی در بخش صنعتی این شهر بسیار محدود و بخش معدن، علی‌رغم برخورداری از بزرگترین مجموعه تولید طلای ایران، سهم ناچیزی از اشتغال و توسعه‌ی این شهر را دارد (امانی، ۱۳۹۸). بر اساس سالنامه آمارهای جمعیتی سال ۱۳۹۸، جمعیت تکاب کمی بیشتر از ۸۰ هزار نفر می‌باشد که ۵۰ هزار نفر آن را جمعیت شهری و ۳۰ هزار نفر آن را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد. مطابق اطلاعات میدانی، جمعیت کردزبان این شهر بیشتر از جمعیت آذری‌زبان است، اما از منظر برخورداری از امکانات اقتصادی و رفاهی تفاوت‌هایی وجود دارد. سوگیری سیاست‌های نهادی و تبعیض‌های ساختاری، تمایزات اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی را به نوعی نهادینه کرده است که شهروندان کرد از حقوق و امتیازات برابر برخوردار نباشند و عملاً در موقعیت حاشیه‌ای قرار گرفته‌اند.

تحقیق حاضر درصدد است تا با روش اتنوگرافی انتقادی به واکاوی دلالت‌ها و زمینه‌های تمایزات اقتصادی مناطق چندفرهنگی بپردازد و به فهم جامع‌تری از اشکال تبعیض‌های ساختاری و انواع سوگیری‌های قومی و گروهی که بسترهای نابرابری اجتماعی را

ایجاد می‌کنند دست یابد. همچنین، به میانجی تحلیل توسعه‌نیافتگی منطقه‌ای که از نمودها و پیامدهای بنیادی نابرابری ساختاری است به راهکارهای تغییر وضعیت و شرایط موجود گروه‌های فرهنگی مختلف نایل آید. مفروضه پژوهش حاضر تمایزات و شکاف‌های اقتصادی در شرایط فعلی است که به میانجی مفهوم قومیت در شهر تکاب به وجود آمده است، لذا پژوهشگر در پی یافتن پاسخی برای چند سؤال اساسی است که به شکل زیر صورت‌بندی شده است:

تجربه زیسته سوژه‌های مورد مطالعه از تمایزات اقتصادی چیست؟

سوژه‌های مورد مطالعه، بر ساخت دسترسی به منابع و استفاده از آن در امر توسعه را چگونه درک و تفسیر می‌کنند؟

روابط، هنجارها و باورها در فرآیند توسعه اقتصادی، چگونه اصلاح و بازسازی می‌شود و تغییر می‌کند؟

مروری بر ادبیات نظری

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر بر اساس آراء والرش‌تاین، پولانزاس، آلتوسر هاروی و لوفور هستند. ایمانوئل والرش‌تاین^۱ مفسر تاثیر نظام سرمایه‌داری بر فرآیند توسعه‌نیافتگی کشورهای پیرامونی است. بر اساس نظریه نظام جهانی، میان اقتصادهای متروپل و اقتصادهای حاشیه‌ای، تقارن وجود دارد و توسعه‌نیافتگی اولی متقارن با توسعه‌نیافتگی دومی است (کسلر، ۱۳۹۴ به نقل از والرش‌تاین، ۱۹۶۷، ۲۰۰۱). بر این اساس در شهرهای مدرن به واسطه‌ی سیاست‌های دولتی همواره دوگانه‌های متعددی در حال رخ دادن است، یکی از این دوگانه‌ها، شکل‌گیری مناطق مرکز و پیرامونی است. نابرابری‌ها در سیستم فکری فرانک در سطح جهانی تولید می‌شوند ولی ما نباید قضیه را این‌گونه محدود در نظر بگیریم زیرا باعث تیره‌ی نخبگان قدرت در درون سطوح عالی‌مرتبه نهادها خواهد شد چرا که سیاست‌های شهری که منجر به برآمدن نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شوند توسط تصمیمات همین افراد بلندپایه اتخاذ خواهند شد.

مارکسیست‌های ساختاری به بررسی ساختارهای مسلط بر جامعه‌ی سرمایه‌داری تمایل دارند. از دیدگاه لویی آلتوسر^۲، مفهوم سازوبرگ دولت که دولت را به عنوان نیرویی اجرایی و مداخله‌گر در امر سرکوب و در خدمت طبقات مسلط، در مبارزه‌ی طبقاتی بورژوازی و همدستانش علیه پرولتاریا، ترسیم می‌کند، دقیقاً خود دولت است و نظریه‌ی مارکسیستی دولت، به روشنی کارکرد بنیادین آن را معین می‌کند (آلتوسر، ۱۳۸۶). نیکوس پولانزاس^۳، در کتاب طبقه در سرمایه‌داری معاصر، دولت‌ها را عامل اصلی بازتولیدکننده سرمایه‌داری معرفی می‌کند. نقش اصلی دستگاه‌های دولتی، مشروعیت‌بخشی و قانونی‌کردن تسلط طبقاتی و در نهایت بازتولید روابط اجتماعی است. پولانزاس، کوشید تا دولت را به شیوه‌ای غیراقتصادی تحلیل کند. در اندیشه وی، دولت دارای استقلال نسبی است. از نظر پولانزاس، ساخت اقتصادی و روابط طبقاتی نحوه کارکرد دولت را تعیین می‌کند نه برعکس؛ دولت جدا از ساخت‌ها و منازعات طبقاتی نیست و با ایفای نقش دولت، ساخت‌های زیربنایی تداوم و بقا پیدا می‌کند (پولانزاس، ۱۳۸۹: ۲۰۵). در دیدگاه پولانزاس می‌توان «بلوک قدرت» و «بلوک خلق» را مورد استفاده قرار داد. بلوک قدرت منجر به جهت‌گیری واحدی به سوی طبقه‌ای مشخص می‌شود که نشان از اتحاد و انسجام درونی آنان با یکدیگر است. همبستگی درونی این طبقه‌ی اجتماعی با یکدیگر خود را در فراهم کردن امکانات اقتصادی نشان خواهد داد، این امکانات از سوی نهادهای دولتی برای آنان فراهم می‌شود و سبب استثمار و تبعیض هر چه بیشتر برای اعضای از گروه‌ها و طبقاتی می‌شوند که از امکانات برخوردار نیستند. در سوی دیگر بلوک خلق، به افراد، جوامع و امکانات سرکوب‌شده‌ای اطلاق می‌شود که فاقد قدرت نهادی‌اند. اجتماعات به حاشیه رانده‌شده هیچ‌گونه جایگاهی در نزد فرادستان

1. Wallerstein

2. Althusser

3. Poulantzas

ندارد و با تبعیض‌های سیستماتیک مواجه هستند، تقاطع‌های فقر، به رسمیت شناخته‌نشدن، تبعیض و نابرابری در حیات اجتماعی توسط ساختارهای دولتی ایجاد می‌شود.

نظریه‌ی شهری انتقادی، به جای تأیید شرایط کنونی شهرها همچون نمود قوانین فراتاریخی سازماندهی اجتماعی، عقلانیت بوروکراتیک یا کارایی اقتصادی، بر سرشت خاص فضای شهری تأکید می‌کند که از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک میانجی‌گری شده و از لحاظ اجتماعی محل مناقشه است یعنی بازسازی پیوسته‌ی فضای شهری، پیامد روابط تاریخی خاص قدرت اجتماعی است که به‌طور تاریخی شکل گرفته است. نظریه‌ی شهری انتقادی مستلزم نقد ایدئولوژی (از جمله ایدئولوژی‌های اجتماعی- علمی) و نقد قدرت، نابرابری، بی‌عدالتی و استثمار، همزمان درون و در میان شهرها است (برنر، ۱۳۹۶). دیوید هاروی^۱ به دلیل تمرکز بر اقتصاد سرمایه‌داری شهری، تمرکز بر سیاست‌ها و برنامه‌های دولت برای حفظ منافع خود، تضادهای طبقاتی و توزیع نابرابر امکانات برای این پژوهش مفید است. هاروی، توسعه‌ی شهری را فرآیندی یکپارچه و همگون نمی‌داند بلکه شهر به گونه‌ای ناموزون و طبق نیازهای سرمایه‌داری رشد می‌کند (هاروی، ۱۳۹۸؛ ۱۲۸-۱۳۲). هنری لوفور^۲ رویکرد انتقادی و مارکسیستی را برای توضیح توسعه‌ی نامتقارن در مطالعات شهری به کار می‌گیرد. لوفور می‌گوید فضا از واقعیت اجتماعی جدا نیست و کاملاً همسبته با آن است؛ فضای اجتماعی ذاتاً وجود ندارد بلکه تولید می‌شود. فضا و زمان اجتماعی، ابعاد کردار اجتماعی است. دیالکتیک سه‌بعدی، فضا و زمان تاریخی هستند و به‌واسطه‌ی تاریخی‌بودن، روابط قدرت و تضادهای درون جامعه را در بر می‌گیرد (لوفور، ۱۳۹۳). در این پژوهش، از آنجا که میدان پژوهش، فضایی شهری است به نظریات شهری انتقادی از هانری لوفور و دیوید هاروی رجوع شده است؛ هاروی به- دلیل تمرکز بر اقتصاد سرمایه‌داری شهری، تمرکز بر سیاست‌ها و برنامه‌های دولت برای حفظ منافع خود، تضادهای طبقاتی و توزیع نابرابر امکانات برای این پژوهش مفید است. لوفور نیز با رویکرد اقتصاد سیاسی به بازتعریف معنای شهر می‌پردازد و معتقد است که سرمایه‌داری بیشتر از هر فضای دیگری از طریق «شهر» رشد می‌کند و «فضا» از نظر لوفور یک امر سیاسی است که با روابط قدرت عجین شده است.

دی. استنلی ایترن و همکارانش، در جلد اول کتاب «مسائل اجتماعی از دیدگاه انتقادی»، آسیب‌ها و مسائل اجتماعی کشور آمریکا در دوران معاصر را با رویکردی انتقادی، مطالعه کرده‌اند. از نظر آن‌ها نظریه‌های تبعیض ساختاری، سرکوب اقلیت‌ها توسط نظام اجتماعی را نادیده نمی‌گیرد و نابرابری را موضوع نهادهای عمومی می‌داند. در این دیدگاه، نابرابری محصول شرایط بیرونی جامعه است تا ویژگی‌های فرهنگی گروه‌های اقلیت. نظریه‌ی کاستی بر عیب و نقص اقلیت‌ها و نظریه‌ی سوگیری بر نگرش ناقص نسبت به اقلیت‌ها تکیه دارد در حالی که در نگرش تبعیض، نژادپرستی نهادی، نژادپرستی ساختاری است که نابرابری را جزئی از ساختار جامعه می‌داند و بین افراد و گروه‌ها، خواه متعصب باشند یا نباشند تبعیض قائل می‌شود. افراد و گروه‌ها در محیطی اجتماعی عمل می‌کنند که متضمن سلطه‌ی نژادی و قومی است (ایترن و همکاران، ۱۳۹۶).

هدف از این مرور نظری خلاصه مرتبط ساختن تمایز اقتصادی و اجتماعی جوامع چندفرهنگی را به سویه‌های پردازش ساختاری است. درواقع، تمایزات اقتصادی تأثیر معکوسی بر فرآیند توسعه در جوامع چندفرهنگی دارند. این تمایزات محصول سیاست‌های کلی ساختارهای دولتی هستند. عامل اجرایی کردن این سیاست‌ها کارگزاران نهادی وابسته به ساختارهای دولتی‌اند. دلیل تأکید بر تمایزات اقتصادی/ اجتماعی مشاهده‌شده در جامعه‌ای واحد؛ که روح حاکم بر آن دوگانه کرد یا آذری است، سیاست‌های شهری و توزیع نامتقارن امکانات اجتماعی است. از این رو، تمایزات مشاهده‌شده در میدان پژوهشی را نباید به میانجی تحلیل‌های فردگرایانه و

^۱. Harvey

^۲. Lefebvre

بوم‌شناختی مورد مطالعه قرار داد؛ بر اساس سیطره‌ی دیدگاه انتقادی بر پژوهش حاضر باید نابرابری را به ساختارهای کلی جامعه و سیاست‌های دولتی برگرداند؛ این تمایزات منجر به عدم توسعه‌ی انسانی در تمام ابعاد آن می‌شود.

پیشینه پژوهش

در خصوص تنوعات فرهنگی و اجتماعی و فرآیند توسعه‌ی گروه‌های قومی در ایران، تحقیقات و مقاله‌های متنوعی طی سال‌های اخیر نوشته شده است. رضایی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه اجتماعی در ایران: شاخص‌ها و موانع» بر این باور است که برای تحقق همه‌جانبه توسعه‌ی اجتماعی، تمام گروه‌ها و اقوام باید احساس کنند سهم یکسانی در برنامه‌های دولت دارند. این امر باعث می‌شود آن‌ها با تعهد بیشتری نسبت به جامعه خود عمل کنند به این منظور باید فرصت‌های اقتصادی برابر در اختیار همه گروه‌ها و طبقات قرار گیرد. فرهادی و کاظمی (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان "توسعه اقتصادی، اجتماعی، قومیت و مشارکت سیاسی" که با روش تحقیق آزمایش انجام داده‌اند، به دنبال اثرات توسعه اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت سیاسی در میان اقوام بوده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش توسعه اقتصادی نزد ترک‌ها و کردها با مشارکت ارتباط دارد؛ اما متأثر از عوامل فرهنگی، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. بنابراین مشارکت اقوام را باید با زمینه‌های قومی وارد شده در آن تفسیر و فهم کرد. نزد بلوچ‌ها ارتباطی بین مشارکت و عامل توسعه اقتصادی مشاهده نشد، بلکه الگوی کنش این قوم بیشتر متأثر از شاخص‌های فرهنگی (مذهبی) است. ترابی و مجیدی (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران»، نشان می‌دهند که شکاف‌های قومی در کردستان عمدتاً ساخت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته است. بنابراین برای برطرف کردن ضعف‌های موجود و اصلاح مدیریت شکاف قومی در کردستان، بایستی در راستای تقویت و پایدارسازی روابط میان قومی از طریق برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و علمی در مناطق کردنشین برنامه‌ریزی کرد. صفایی‌پور و آزادخانی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش قومیت در دستیابی به توسعه پایدار شهری» نقش قومیت در دستیابی به توسعه‌ی پایدار محله‌ای در شهر ایلام که گروه‌های قومی مختلفی در آن ساکن هستند، پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در پایداری توسعه‌ی شهر ایلام، قومیت تأثیرگذار بوده است. موسوی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «جایگاه توسعه قومی در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران»، به موضوع قومیت-ها در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه می‌پردازد. وی با بررسی اسناد و برنامه‌های توسعه به این نتیجه رسید که توسعه قومی حلقه مفقوده روند توسعه متوازن کشور بوده و به عبارتی توسعه قومی از دغدغه‌ها و مسائل اصلی سیاستگذاران توسعه کشور نبوده و به ندرت در برنامه‌های توسعه نامی از اقوام آمده است. پرداختن به مسئله توسعه اقوام را به سختی می‌توان در چهارچوب نگاه به مسائل مناطق حاشیه‌ای، فقرا و نیازمندان دید.

دورتنی (۲۰۱۹) در مقاله‌ی «تفاوت‌های نژادی و قومی در انتظارات اقتصادی مصرف‌کنندگان» انتظارات اقتصادی ملی و شخصی سیاه‌پوستان، سفیدپوستان و اسپانیایی‌تباران آمریکا را مورد بررسی قرار داده است. از نظر وی، ساختار فرهنگ‌ها و چارچوب‌های فرهنگی، دو عامل تعیین‌کننده انتظارات هستند که ممکن است در اختلافات نژادی و قومی نقش داشته باشند. دسمت و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله «فرهنگ، قومیت و تنوع» میزان هم‌پوشانی قومیت و فرهنگ و همین‌طور ارتباط بین تقسیمات قومی و تفاوت‌های عمیق فرهنگی و رابطه‌ی آن با اقتصاد سیاسی در جوامع مختلف را بررسی کرده‌اند. میزان هم‌پوشانی بین فرهنگ و قومیت ناشی از تضاد اجتماعی که با شاخص‌های مختلف اندازه‌گیری شده است با بیشترین درجه هم‌پوشانی در آفریقای جنوبی و جنوب آسیا (ارتباط قوی بین فرهنگ و قومیت) و کمترین در آمریکای لاتین (ارتباط ضعیف بین فرهنگ و قومیت) نشان می‌دهد که تقسیم‌بندی قومی هیچ قدرت پیش‌بینی‌کننده‌ای برای این نتایج ندارد، اما تنوع فرهنگی در صورت وجود، در کاهش تعارض و افزایش تأمین کالاهای

عمومی مؤثر است. همچنین، گورن (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «تنوع قومی چگونه بر توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارد؟» به بررسی رابطه تجربی بین دو مفهوم قومیت و رشد اقتصادی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد زمانی که یک جامعه از نظر قومی تقسیم‌شده باشد، تنش‌ها و دیگر شکاف‌ها ممکن است در امتداد خطوط قومی مختلف ظاهر شوند، سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد کاهش می‌یابد؛ در نتیجه، رشد اقتصادی کم می‌شود.

به‌طور کلی تفاوت عمده و اساسی این پژوهش با پیشینه‌ی پژوهشی مورد اشاره این است که از فرهنگ و زبان اسطوره‌زدایی می‌کند و بر نقش ساختارها، دولت و سیاست‌گذاری نهادی بیش از هر عامل دیگری در توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی منطقه‌ای و موفقیت اقتصادی گروه‌های قومی تأکید می‌نماید.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجاکه هدف تحقیق حاضر، بررسی چگونگی تأثیر ساختارهای کلان بر فرآیندهای خرد است و مناسبات قدرت در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را بررسی می‌کند، با توجه به مسئله‌ی تناسب روش و پارادایم انتقادی، از میان روش‌های کیفی مختلف، از روش اتنوگرافی انتقادی^۱ استفاده شده است. اتنوگرافی انتقادی نوعی از مردم‌نگاری است که ریشه در مکتب شیکاگو دارد و توسط مرکز مطالعات بیرمنگام در انگلستان توسعه یافت (گرگی و گودرزی، ۱۳۹۷). این روش از طریق بررسی مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کلان به نقد فرهنگی می‌پردازد و بر سرکوب، تضاد، مناقشه، قدرت و پراکتیس متمرکز می‌شود (جلایی‌پور و باینگانی، ۱۳۹۵). مدیسون (۱۳۹۷)، روش اتنوگرافی انتقادی را یک اتنوگرافی کلاسیک با هدف سیاسی می‌داند که در آن قوم‌نگار تنها به دنبال توضیح معانی کنش‌ها در درون یک بافت خاص نیست، بلکه می‌خواهد بداند که این معانی در تقابل با ساختار گسترده‌تر قدرت چگونه توصیف می‌شوند. بدین‌ترتیب در تمامی عرصه‌هایی که تعاملات تحت تأثیر مناسبات قدرت قرار می‌گیرد، دیدگاه انتقادی مطرح می‌شود. لذا پژوهش حاضر در چارچوب روش‌شناسی کیفی و با به‌کارگیری روش اتنوگرافی انتقادی، به تحلیل و بررسی تمایزات اقتصادی قومیت‌ها و پیامدها و دلالت‌های توسعه‌ی نامتوازن، از منظر درک، تفسیر و تجربه‌ی سوژه‌های مورد مطالعه می‌پردازد.

میدان پژوهش حاضر شهر «تکاب» واقع در استان آذربایجان غربی است که دارای پراکنش قومی کردزبان و آذری‌زبان است. با توجه به روش کیفی در این پژوهش که اتنوگرافی انتقادی است تا زمان اشباع نظری و تکرار گفتگوها با مشارکت‌کنندگان مصاحبه به عمل آمد. رده سنی مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، افراد ۲۵ تا ۶۷ ساله دو گروه قومی آذری‌زبان و کردزبان ساکن این شهر از جمله اشخاص تحصیل‌کرده، بازاریان، کارفرمایان، کارمندان و کشاورزان انتخاب شده‌اند در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است و تا رسیدن به اشباع داده‌ها، فرآیند نمونه‌گیری ادامه داشته است. در فرآیند مصاحبه‌ها در پژوهش حاضر با نظر به محوریت نمونه‌گیری هدفمند، با تعداد ۲۸ نفر از ساکنان این شهر، مصاحبه به عمل آمد و در این میان تلاش گردید حداکثر تنوع نیز به لحاظ جایگاه اقتصادی و اجتماعی و تجربه‌ی زیسته‌ی سوژه‌های مورد مطالعه از هویت جمعی و تمایزپذیری باورها و هنجارهای توسعه‌ای در انتخاب نمونه‌ها لحاظ شود. گردآوری داده‌ها مبتنی بر تکنیک مشاهده‌ی مشارکتی و مصاحبه‌ی عمیق بوده است. در این پژوهش، روش مشاهده مشارکتی، به عنوان یک روش تکمیلی در کنار تکنیک مصاحبه در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

¹. Critical ethnography

جدول ۱. مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

کد	نام	سن	تحصیلات	شغل	محل سکونت	قومیت
۱	حمید	۴۰	فوق‌دیپلم	دهیار	روستا	کرد
۲	علی	۴۶	ف. لیسانس	دبیر ریاضی	شریف‌آباد	کرد
۳	سامان	۳۷	ف. لیسانس	کانون فرهنگی قلم‌چی	باغ سلاطین	کرد
۴	حسن	۶۰	دیپلم	آزاد	شرکت نفت	کرد
۵	یاسر	۳۹	ف. لیسانس	مشاور تحصیلی	شریف‌آباد	کرد
۶	احمد	۵۰	دیپلم	کشاورز نمونه	شریف‌آباد	کرد
۷	سروش	۲۵	لیسانس	معلم	شریف‌آباد	کرد
۸	امید	۳۵	لیسانس	بازار آزاد	باغ سلاطین	کرد
۹	آرش	۲۶	لیسانس	معلم	محلۀ جهاد	کرد
۱۰	محمد	۳۵	لیسانس	تعمیرکار ماشین‌آلات	شریف‌آباد	کرد
۱۱	علیرضا	۴۵	دیپلم	کارآفرین	سرپل شریف‌آباد	کرد
۱۲	مهران	۳۰	دیپلم	صنعتگر	شریف‌آباد	کرد
۱۳	امیر	۳۸	ف. لیسانس	معلم آموزشی	چهارراه آزادی	کرد
۱۴	ایرج	۴۱	ف. لیسانس	کارمند اداره برق	سه‌راهی جهاد	کرد
۱۵	شایان	۶۰	دیپلم	کارآفرین	باغ هادی	کرد
۱۶	لطیف	۳۱	کاردانی	صنعتگر	شریف‌آباد	کرد
۱۷	سینا	۴۰	ف. لیسانس	کارمند شرکت گاز	باغ سلاطین	کرد
۱۸	میلاد	۴۳	ف. لیسانس	حراست ایستگاه گاز	شریف‌آباد	کرد
۱۹	شروین	۳۹	دیپلم	بازاری	شرکت نفت	آذری
۲۰	حامد	۳۸	ف. لیسانس	کارمند امور مالیاتی	باغ سلاطین	کرد
۲۱	معین	۳۳	دیپلم	معدن آهن آجین	محلۀ پارک ملت	کرد
۲۲	نیما	۳۷	ف. لیسانس	آزاد- عضو سابق شورا	شریف‌آباد	کرد
۲۳	نوید	۴۲	ف. لیسانس	پیمانکار	شریف‌آباد	کرد
۲۴	رضا	۴۷	لیسانس	بازنشسته دولتی	کوی فرهنگیان	آذری
۲۵	پارسا	۳۹	ف. لیسانس	مسئول کتابخانه	محلۀ تامین اجتماعی	آذری
۲۶	بهزاد	۶۷	کاردانی	بازنشسته آموزش و پرورش	محلۀ پارک ملت	آذری
۲۷	فرهاد	۳۲	لیسانس حقوق	دانشجوی ارشد	فرمانداری	آذری
۲۸	جواد	۵۵	لیسانس	شغل آزاد	خیابان معلم	آذری

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در سه مرحله مورد بررسی قرار می‌گیرند که منطبق با سوالات مطرح شده این پژوهش هستند. ابتدا به نحوه‌ی بر ساخت تمایزات اقتصادی در میدان مورد مطالعه پرداخته می‌شود. در مرحله دوم، درک و تفسیر مصاحبه‌شوندگان از بر ساخت

دسترسی به منابع و استفاده از آن در امر توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به نحوه امکان‌های اصلاح و بازسازی روابط، هنجارها و باورها در فرآیند توسعه اقتصادی پرداخته می‌شود.

الف. بر ساخت تمایزات اقتصادی در مناطق چندفرهنگی

تمایزات اقتصادی یکی از پرسش‌های اصلی این پژوهش است، این مفهوم جنبه انتزاعی ندارد بلکه بازمانگر شاخصه‌های اقتصادی مشخص است که تاثیرات خود را در زندگی فردی و اجتماعی افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد. با توجه به سؤالات پژوهش و یافته‌های به‌دست‌آمده، چگونگی تمایزات گروه‌های فرهنگی در انواع مشاغل اقتصادی که به میانجی قدرت، روابط و ایدئولوژی ایجاد شده‌اند بررسی شده است. در این ارتباط ۶ مقوله با عنوان «تمایزات شغلی در نهادها و ادارات»، «فرصت‌های نابرابر در بهره‌مندی از مزایا»، «استعمار داخلی»، «فرو دست‌سازی هدفمند»، «توفیق اجباری» و «انکار واقعیت» استخراج گردید.

جدول ۲. کدگذاری باز و محوری بر ساخت تمایزات اقتصادی در مناطق چندفرهنگی

مقوله	کدها	مفاهیم
تمایزات شغلی در نهادها و ادارات	فرصت‌های نابرابر شغلی	نداشتن امتیازات شغلی، نداشتن فرصت یکسان شغلی، عدم شایسته‌سالاری، حاکم‌بودن
	موقعیت نابرابر در ادارات	روابط، نداشتن حق انتخاب شغل، اشتغال اجباری، اجبار فیزیکی، جبر محیطی، تبعیض
	عدم تحرک عمودی مشاغل	قومی
فرصت‌های نابرابر در بهره‌مندی از مزایا	حقوق نابرابر	تضییع حقوق، مزایای ناهمسان، درآمد نابرابر، عدم تخصیص بودجه برابر، توزیع
	اجحاف در پرداخت‌ها	سوبسید ناعادلانه، نادیده گرفتن حقوق انسانی، ندادن اضافه کار، ندادن تسهیلات، ارائه-
	پراکندگی دستمزد	ی تسهیلات ناهمسان، پرداختی نابرابر، تبعیض روزمره
استعمار داخلی	انباشت نابرابر سرمایه	گروه مولد، ناهمگونی، نوآوری، درآمدزا بودن، نابرابری‌ها، بهره‌کشی، نابرخورداری،
	محدود کردن تحرک اجتماعی	محرومیت شکاف قومی
فرو دست‌سازی هدفمند	مشاغل رده پایین	مشاغل کاذب، شغل‌های کم‌درآمد، مشاغل خرده‌پا، بیکاری، شغل‌های فصلی، میوه-
	مشاغل زیان‌آور	فروشی سیار، دست‌فروشی، کارهای زیان‌آور، کوچ اجباری، نابرابری در استخدام،
	تهی‌دستی	فرشپافی، بافندگی
توفیق اجباری	خلاقیت اقتصادی	محدودیت، محدودیت سیاسی، بی‌قدرتی سیاسی، تبعیض، اقتصاد آزاد، پشتکار زیاد،
	جایگزینی اقتصاد و سیاست	سخت‌کوشی، تعهد بیشتر به کار، کانالیزه شدن رفتار جمعی، یافتن مجراهای پیشرفت، موفقیت شغلی، سازگاری با مشاغل طاقت‌فرسا
انکار واقعیت	تعمیم نابرابری به تمام جهان	دفاع از تمرکزگرایی، جهانی شدن، عادی انگاشتن نابرابری، توجیه نابرابری، بدیهی-
	مشروع‌سازی	انگاری، نابرخورداری از امکانات، تقلیل تبعیض، انکار وضعیت موجود
	فروکاستن تبعیض به امری بدیهی	

منبع: یافته‌های پژوهش

دولت عامل اصلی بازتولید سرمایه‌داری و ایجاد شکل‌گیری طبقات مختلف در جامعه است. طبقه‌ی فرادست تشکیل‌دهنده‌ی اعضای دولت و حاکمیت است؛ به همین دلیل دولت می‌کوشد با تقسیم‌بندی طبقاتی بین نیروهای خودی و غیرخودی مرز ایجاد کند و اعضای طبقه مسلط جامعه را که حامی و پشتیبان خود می‌داند از امکانات مالی و شغلی بهتری بهره‌مند سازد و طبقه فرودست ناچار است به مشاغل کم‌درآمد و حرفه‌های دیگر روی آورد. در این شهر بسیاری از کشاورزان آذری‌زبان به‌عنوان طبقه فرادست، مشاغل قبلی خود را به کردزبان‌ها واگذار کرده‌اند چون امکان ورود به مشاغل دولتی برای آنان بسیار راحت است. کردزبان‌ها چون در انتخاب

شغل شرایط برابری ندارند در سایر مشاغل که نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر، هزینه‌های بیشتر و یا درجه‌ی سختی بیشتری است تمایز یافته‌اند. تمایزات شغلی و اشتغال این دو گروه فرهنگی در این شهر کاملاً مشهود و به نوعی سازمان‌یافته است.

"نیروی انسانی در معادن هم به‌گونه‌ای است که آذری‌ها چند برابر کردها هستند و آن‌جا هم نه اینکه شغل درست حسابی داشته باشن بلکه کارهای فیزیکی انجام میدن، بخش ادارات ترک هستند، ریاست اداره‌ها به استثنای چند اداره‌ی معدود، تماماً آذری‌زبان هستند" (میلاد، ۴۳ ساله، کارمند).

تمایزات اقتصادی نه به واسطه‌ی ویژگی‌های فردی بلکه به میانجی فرامین از پیش تعبیه‌شده‌ی ساختاری به وقوع می‌پیوندد. این فرامین به‌صورت مجموعه‌ای از موانع در قالب حقوق نابرابر و تبعیض‌های اقتصادی عینی در زندگی روزمره خود را نشان می‌دهد. تمایز اقتصادی هنگامی احساس می‌شود که افراد با ویژگی‌های همسان، برخورد ناهمسانی را از سوی کارگزاران نهادی و به‌میانجی ساختارهای دولتی تجربه کنند.

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان کردزبان، مناطق محل زندگی و منابع‌شان را به نوعی مستعمره‌ی طبقه فرادست می‌پنداشتند. آن‌ها عنوان می‌کردند با اینکه قشر مولد، کارآفرین و سرمایه‌گذار در این شهر هستند و هزینه بیشتری را برای عمران و آبادانی شهر پرداخت می‌کنند ولی مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند، کوچکترین خدماتی را دریافت نمی‌کنند و مخارج توسعه‌ی سایر مناطق را آنان می‌پردازند و مناطق آنان هم‌چنان توسعه‌نیافته باقی می‌ماند. در نظریه استعمار داخلی، چپاول‌گری‌های آشکار و نهان نخبگان حاکم بومی نسبت به اقلیت‌های قومی محور نابرابری، تبعیض و منازعات قومی است. در همین جهت برخی گروه‌های قومی، ابزار سیاسی تحکیم، تثبیت و استثمار گروه‌های دیگر هستند. دولت، ابزار دست عناصر واپس‌گرا، غیرمولد و وابسته به طبقات سلطه‌گری است که با بهره‌گیری از ساختارها، نهادها و ابزارهای دولتی به انباشت سرمایه شخصی، واپس‌زنی، استثمار و به حاشیه‌رانی توده‌ها مبادرت می‌ورزند.

قرار بود دانشگاه آزاد رو در منطقه‌ی شریف‌آباد [یک منطقه کردنشین] احداث کنن، زمین اختصاص داده شد، کلنگ‌زنی هم انجام دادن ولی از این کار جلوگیری کردن و گفتند چون این منطقه کردنشین نباید دانشگاه اینجا درست بشه و اون رو به یه منطقه‌ی دیگه بردند (احمد، ۵۰ ساله، کشاورز نمونه).

از این‌رو، فرودست‌سازی هدفمند رویدادی اتفاقی نیست بلکه به‌واسطه‌ی مجموعه‌ای از سازوکارهای سیاسی به اجرا در می‌آید. این سازوکارها برساخت‌گر نوعی تمایز اقتصادی برنامه‌ریزی‌شده است. برساخت‌گران این امر، فرد یا مجموعه‌ای مشخص نیست بلکه طبق گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، مدیران ناکارآمد، مسئولان تنگ‌نظر شهری و ... را در برمی‌گیرد. فرودست‌سازی هدفمند مجموعه‌ای از پیامدهای منفی را به‌دنبال دارد. افرادی که با فرودست‌سازی عامدانه مواجه‌اند به لحاظ شغلی ناچارند در مشاغل کاذب، کم‌درآمد، فصلی، مقطعی و زیان‌آور کار کنند.

"کردها بیشتر در کارهای کارگری، بنایی، فنی، دامداری و کشاورزی کار می‌کنن، بیشتر کارگرهای شهرداری کردها هستن، در فضای سبز کار می‌کنن، تو شهرداری هم پشت میز نمی‌نشینن، کردها بیشتر مشغول کارگری و کارهای رده‌پایین هستند. تو کردها کسانی هستن که تحصیلات دانشگاهی دارن ولی کارگری می‌کنن (شروین، ۳۹ ساله، بازاری)."

تمایزات اقتصادی در قالب فرودست‌سازی با برنامه، سبب قضایای پروبلماتیک برای کردها می‌شود. چنین ساختارهای بسته‌ای همواره دوگانه‌های خودی و غیرخودی را تولید و بازتولید می‌کنند. در نتیجه بر اساس پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان کرد اگر آنان با نوعی بن‌بست مواجه شدند، تلاش می‌کنند شکوفایی فردی و استعداد خود را در کارآفرینی اقتصادی و در مناسبات بازار بازنمایی کنند. اعمال تبعیض‌های سیستماتیک به‌میانجی سیاست‌های نهادی سبب نوعی تغییر موضع در میان مصاحبه‌شوندگان کرد می‌شود. این

تغییر موضع به مثابه‌ی نوعی پارادایم شیفت است که گاهی فقدان امر سیاسی سبب بر ساخت امر جمعی دیگری می‌شود. این امر جمعی جایگزینی سیاست با اقتصاد است؛ در این مقوله نوعی کارآفرینی مشاهده می‌شود که به جای یأس و ناامیدی در عدم به دست آوردن مشاغل دولتی، اقتصاد بازار آزاد یگانه مجرای پیشرفت در نظر گرفته می‌شود.

"کرده‌ها از نظر تجارت، فروشگاه‌های بزرگ، مراکز خرید و بازار بیشتر فعالان و جایگاه بهتری دارن و این هم یک پدیده‌ای است خودجوش و خودساخته که با سرمایه‌گذاری خود مردم به وجود اومده و خودشان خلاقیات اقتصادی به خرج داده‌ان نه اینکه فرصت اقتصادی بیشتری به آنان داده شده باشه" (یاسر، ۳۹، ساله، مشاور تحصیلی).

برخورداری از منابع اقتصادی به میانجی تمایزات اقتصادی نصیب گروه خاصی از افراد می‌شود و گروه دیگر به خاطر تبعیض و نابرابری از این مواهب بی‌بهره می‌شوند، با اینکه این تبعیضات قومی بسیار مشهود و محسوس و غیرقابل انکار است در بیشتر مواقع گروه فرادست سعی بر انکار، بدیهی‌انگاشتن و یا یکسان‌دانستن وضعیت گروه‌های فرهنگی مختلف دارند. بر این اساس و برخلاف گفته‌های مصاحبه‌شوندگان کردزبان که از نابرابری آشکار و تمایز در مناسبات اقتصادی حرف می‌زنند، گفته‌های سوژه‌های آذری‌زبان نوعی نقض و تعدیل نظرات مصاحبه‌شوندگان پیشین ما است و وجه کلی ماجرا تصدیق نمی‌شود. مجموع گفته‌های آنان نوعی انکار شرایط موجود است. شاکله‌ی اصلی این انکار بر دلایلی چون بدبینی کرده‌ها، اشتباه در بینش، محصول گذشته‌دانستن رویدادها و توهمات مصاحبه‌شوندگان کردزبان استوار می‌باشد. نتیجه‌ی حاصله از پاسخ‌های آنان بر کمرنگ کردن تمایزات اقتصادی عامدانه از سوی دولت و انکار نابرابری فرصت‌ها دلالت دارد.

"شاید یک عده می‌گویند که محرومیت ایجاد شده و تبعیض قائل میشن ولی من تا به حال ندیده‌ام، من بعید می‌دونم که در این شهر تبعیضی قائل بشن. شاید این برمی‌گرده به ذهنیت طرف یا کاری که اصلاً شدنی نبوده و چون انجام نشده فکر کرده به خاطر قومیتش بوده که انجام نشده؛ و گر نه من خودم چند ساله که معلم بودم و با کرد و ترک و اهل حق هیچ مشکلی نداشتیم" (رضا، ۴۷، ساله، بازنشسته دولتی).

همچنان که از نقل قول فوق مشخص است گروه فرهنگی آذری‌زبان قرار گرفتن در موقعیت برتر خود را به روابط و مناسباتی ربط می‌دهند که خارج از وضعیت چندفرهنگی است و بهره‌مندی خود از شرایط و امتیازات ویژه اقتصادی و محرومیت کردزبانان در دسترسی به منابع اقتصادی و شغلی را انکار می‌کنند.

ب. سازوکارهای توسعه و بر ساخت منابع در مناطق چندفرهنگی

سیاست‌های میان و درون فرهنگی و آثار اجتماعی و سیاسی آن‌ها در مناطق چندفرهنگی تأثیرات بسزایی در توسعه‌ی اقتصادی آن مناطق دارد. در این بخش با توجه به وضعیت چندگرایی فرهنگی، چگونگی بر ساخت منابع توسعه‌ای؛ سازوکارهای تأثیرگذار بر فرآیند توسعه و عوامل توسعه‌نیافتگی منطقه‌ای بررسی شده است. برای توضیح این سازوکارها، با توجه به نظرات مصاحبه‌شوندگان و یادداشت‌های مشاهده‌ای تعداد ۴ مقوله با عناوین «تبعیض نهادی»، «توسعه نامتوازن»، «زیست-مقاومت فرودستان» و «مرکز-پیرامون» استخراج گردید.

جدول ۳. کدگذاری باز و محوری سازوکارهای توسعه و برساخت منابع در مناطق چندفرهنگی

مقوله	کدها	مفاهیم
تبعیض نهادی	تبعیض قومی	قوم‌گرایی، هژمونی، فرادست و فرودست، دیدگاه قومیتی، واگرایی، برخورد ناعادلانه، ایدئولوژی حاکم، اقلیت‌بودن، زبان و دین غیررسمی، تمایز ساختاری، دوگانگی و دودستگی، هژمونی فرادست، دست‌های پشت‌پرده
	تضاد منافع	
	فقدان تحرک اجتماعی	
	رویکرد اجرایی	
	رهبران تفرقه‌افکن	
توسعه نامتوازن	توسعه‌نیافتگی منطقه‌ای	مدیریت سنتی، ناآگاهی، تمرکزگرایی، تفکر سوگیرانه، فضای عمومی، تخصیص نامتوازن منابع، ترس از سرمایه‌گذاری کلان، احساس سرخوردگی، بی‌نظمی بافت شهری، توزیع ناعادلانه‌ی ثروت و امکانات، تبعیض منطقه‌ای و جانب‌دارانه، موقعیت‌های فرهنگی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای
	نگاه پیرامون-مرکز	
	توزیع نامتوازن امکانات	
	جامعه‌ی موازی	
زیست-مقاومت فروودستان	مقاومت فردی و جمعی	شرطی‌شدن، بی‌تفاوتی، کنشگری، مبارزه‌ی مدنی، تقویت انسجام اجتماعی، سوژه‌های آزاد، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، شوراها، سندیکاها، انجمن‌های صنفی
	ناهم‌نوایی با ایدئولوژی رسمی	
	مقاومت و مبارزه	
مرکز-پیرامون	مرکزگرایی	توسعه‌ی مرکز، پیرامون، مرزهای توسعه‌نیافته، امتیازات، مرکزیت، قدرت و تسلط مرکز، فضای عمومی شکاف درآمدی مرکز-پیرامون، استعمار پیرامون
	بی‌عدالتی محیطی	

منبع: یافته‌های پژوهش

در شهر تکاب تبعیض نهادینه‌شده علیه کردزبانان آنان را از بسیاری از حقوق اجتماعی، دسترسی به منابع و امکانات محروم کرده و بر سر راه پیشرفت اقتصادی و توسعه‌ی مناطق کردنشین موانع ساختاری ایجاد کرده است. با وجود اینکه قانون تبعیض را منع کرده، در بسیاری از موارد از جمله استخدامی نیروهای انسانی در ادارات و مشاغل دولتی و خصوصی به‌راحتی اعمال می‌شود. در شرایط تبعیض، فرصت تحرک اجتماعی یکسان برای افراد وجود ندارد و افراد در آموزش یا انتخاب شغل، شرایط نابرابری دارند. از عواملی که به رشد تبعیض در جامعه کمک می‌کند؛ جدایی‌گزینی مکانی افراد جامعه است.

"خود من که فارغ‌التحصیل رشته‌ی ریاضی بودم برای استخدامی به آموزش و پرورش مراجعه کردم و مسئول ثبت‌نام با اینکه در گذشته معلم خود من بود چون من با لباس کردی مراجعه کرده بودم حتی سرش را بلند نکرد که با من صحبت کند و با زبان ترکی گفت «ایستمرگ» یعنی نمی‌خوایم. من هم به استان کردستان مراجعه کردم و جذب آموزش و پرورش آن‌جا شدم. پس از آن از دوستانم جويا شدم ۶ نفر رشته غیرمرتبط را برای تدریس درس ریاضی از شاهیندر و میاندوآب آورده بودند" (علی، ۴۶ساله، دبیر آموزش و پرورش).

همچنین، چنین روند و رویکرد تبعیض آمیزی در اجرای طرح‌های توسعه‌ای قابل رویت است. مناطق کردنشین با وجود مساعدبودن شرایط اقلیمی و دارا بودن زمین‌های مرغوب و ارزان‌تر از سایر مناطق شهری مورد استقبال و توجه تصمیم‌گیرندگان قرار نمی‌گیرند و بدون کار کارشناسی این طرح‌ها را در مناطقی اجرا می‌کنند که به هیچ‌وجه سنخیت و مناسبتی برای این پروژه‌های نسبتاً بزرگ ندارند. از یک طرف باعث توسعه نیافتگی منطقه‌ای مناطق کردنشین می‌شوند و از طرف دیگر، اصرار بر اجرای این پروژه‌ها در فضای آلوده و محیط غیربهداشتی و نزدیک به جایگاه سوخت که خطرآفرین است هیچ توجیه عقلانی و اقتصادی ندارد؛ نمونه‌ی بارز آن احداث بیمارستان جدید است.

"بیمارستان تازه تأسیس رو کنار یه کارخانه‌ی صنعتی ساختن، چرا باید یه بیمارستان رو کنار کوره‌ی آجرپزی، جنب جایگاه سوخت و نزدیک ترمینال مسافربری بسازن که اطرافش رو گاوداری‌های سنتی احاطه کرده و از نظر بهداشتی نامناسبه، فقط به خاطر اینکه توسعه‌ی شهر رو بندازن یه منطقه که مربوط به مناطق ترک‌نشین و مسیر روستای «اُغول‌بیک» باشه" (میلاد، ۴۳ ساله، حراست ایستگاه گاز).

علاوه بر پروژه‌های توسعه‌ای و زیرساختی، سیاست‌گذاری نهادی در این شهر به این شکل است که گروه فرهنگی کردزبان نتواند پست‌های مدیریتی و مناصب مهم اجرایی را که در توسعه‌ی شهر تصمیمات کلیدی و تأثیرگذار اتخاذ می‌کنند، در اختیار بگیرد و در مناصب انتخابی مانند شهرداری هم که در آن شهردار، با انتخاب اعضای شورای شهر، برگزیده می‌شود در صورت انتخاب یک شهروند کرد، هرچند مدیری توانا و شایسته و با تخصص باشد بر اثر دخالت، کارشکنی و فشار نهادهای وابسته به گفتمان قدرت و گروه فرهنگی مسلط مجبور به کناره‌گیری از جایگاه شغلی خود می‌شود با اینکه پایگاه اجتماعی قوی میان هر دو گروه فرهنگی را دارا باشد. توسعه-نیافتگی مناطق کردنشین به‌خاطر عدم حضور کردها در پست‌های رده‌بالای مدیریتی مدام بر ساخت و تشدید می‌گردد.

"یه شهردار کرد اومد یه مدت بیشتر دوام نیاورد و بیرونش کردن تو همین مدت کم، اندازه سی سال برای این شهر کار کرد اگر در طرف کردنشین یه طرح اجرا می‌کرد در مناطق ترک‌نشین چند طرح پیاده می‌کرد. هم کرد ازش راضی بودن هم ترک، ولی آن-هایی که در رأس امور بودن از این وضعیت راضی نبودند و بیرونش کردن" (محمد، ۳۵ ساله، تعمیرکار).

در مقابل چنین تبعیضات و استانداردهای دوگانه در توسعه و مدیریت شهری، تاکتیک‌هایی که فرودستان در مقابل نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در این شهر چندفرهنگی اتخاذ می‌کنند بیشتر از نوع مقاومت‌های فردی است. انفعال، هم‌نوایی نکردن با ساختار مسلط جامعه، ناهنجاری‌های اجتماعی و انواع مبارزات مدنی، خود یک نوع کنشگری و مقاومت در برابر سیستم تبعیض‌گر و نابرابرساز در جامعه است. بعضی از مصاحبه‌شوندگان مقاومت کردن را بی‌فایده می‌دانند چون بر این باورند هر گونه تلاش برای خواسته‌های صنفی و اعتراض به نابرابری اقتصادی و درخواست برقراری عدالت اجتماعی در شهرهای چندفرهنگی، به مسائل سیاسی و امنیتی ربط داده می‌شود و نهاد قدرت با انواع شیوه‌های سرکوبگرانه، آن را در نطفه خفه می‌کند و مسائل پیچیده‌تری را برای آن‌ها رقم خواهد زد؛ به نوعی که کنشگران به خاطر ترس از ارجاع آنان به محاکم قضایی و بدترنشدن وضعیت موجود، از خواسته‌هایشان عقب‌نشینی می‌کنند.

"امروز تبعیض رو رد کردم فردا چکار کنم بالاخره تو نمی‌توانی همیشه خودتو درگیر کنی، تو هم آرامش نیاز داری زندگی می-خواهی، بالاخره آبرو هست موقعیت اجتماعی هست، مجبوری خیلی وقتا از حق خودت بگذری" (میلاد، ۴۳ ساله، حراست ایستگاه گاز).

"در مقابل بعضی فشارها قطعاً ما ایستادگی کردیم، سخنرانی کردیم، متن نوشتیم ولی خوب نتیجه‌ای حاصل نشد و نهایتاً در دوره بعد ما رو رد صلاحیت کردن ولی حداقل به وظیفه ذاتی خود عمل کردیم" (نیما، ۳۷ ساله، شغل آزاد).

البته دسته‌ی دیگری از مصاحبه‌شوندگان بر مقاومت در برابر تبعیض‌های ساختاری به هر شکلی چه فردی و چه جمعی تاکید می‌کنند. آن‌ها بر این باور هستند که منفعل‌ماندن، نابرابری و تبعیض نظام‌مند را مدام بازتولید خواهد کرد و در صورت مشاهده‌ی تبعیض فارغ از نتیجه اعتراض و مقاومت، باید همواره با این ساختار ناهنجار به مبارزه کردن ادامه داد.

"در قبال این همه تبعیض و ظلمی که در حق ما می‌شد همیشه سکوت کرده‌ایم فقط پوست کلفت شده‌ایم و آستانه تحمل خود رو بالا برده‌ایم و گر نه مقاومت دسته‌جمعی نداشته‌ایم. وقتی ما به اتحادیه و انجمن نداشته باشیم، وقتی هیچ اعتراضی صورت نمی‌گیرد و هیچ حرکتی نمی‌شه وضعیت از این هم که هست بدتر می‌شه" (سروش، ۲۵، ساله، معلم).

در چنین فضای شهری‌ای بعضی مناطق و روستاهای اطراف در حکم پیرامون برای مناطق مرکزی شهر هستند و در سطح وسیع‌تر این شهر خود پیرامون مرکز استان و چند کلانشهر دیگر است که تمام منابع به‌ویژه ارزش افزوده‌ی معادن آن که ثروت هنگفتی در مقیاس ملی است برای توسعه‌ی این مراکز به یغما می‌رود و خود هم‌چنان توسعه‌نیافته و عقب‌مانده باقی می‌ماند.

"نمایندگان تبریز و ارومیه کدخدایی این شهر رو میکنن به‌خاطر داشتن مردم این شهر نیست، به‌خاطر معادن این شهره. من سال‌هاست برای تکاب به اسم انتخاب کرده‌ام و خیلی از مجالس هم گفته‌ام. «کرکوک ایران» مناسب‌ترین اسم برای این شهره. کرکوک هم منابع نفتی داره ولی کشورهای اطراف برایش کدخدایی می‌کنن، به نمایندگی تبریز و ارومیه چه ربطی داره که مدام درباره‌ی شهر ما اظهار نظر می‌کنن" (میلاد، ۴۳، ساله، حراست ایستگاه گاز).

در نتیجه، مدیریت نادرست و ناکارآمد نه‌تنها باعث توسعه‌ی نامتوازن و ایجاد شکاف بین مرکز و پیرامون شده است بلکه توسعه-نیافتگی مناطق پیرامونی سبب پایین‌آمدن میزان بهره‌وری و غیرمولد بودن نیروی انسانی شده و در نهایت این مسئله باعث تولید و گسترش مشاغل کاذب و رده‌پایین در حاشیه‌ی مناطق پیرامونی شده است.

ج. مکانیسم‌های بازسازی روابط، هنجارها و باورها در فرآیند توسعه اقتصادی

در این بخش، در راستای پاسخ به پرسش مطرح‌شده مبنی بر چگونگی بازسازی و اصلاح هنجارها و باورهای قومی در فرآیند توسعه؛ نگرش‌ها، ویژگی‌های درون فرهنگی و همچنین ارتباطات میان فرهنگی تاثیرگذار بر توسعه‌ی اقتصادی با مطالعه‌ی شرایط حاکم بر جامعه‌ی چندقومیتی این شهر، بررسی شده است و در این رابطه تعداد ۵ مقوله با عناوین «خُلُقیات فرهنگی»، «روابط بینا فرهنگی»، «واگرایی قومی_توسعه‌نیافتگی»، «توسعه توسعه‌نیافتگی» و «الزامات توسعه پایدار» استخراج گردید.

جدول ۴. کدگذاری باز و محوری مکانیسم‌های بازسازی روابط، هنجارها و باورها در فرآیند توسعه اقتصادی

مفاهیم	کدها	مقاله
سخت‌کوشی بیشتر، تلاش مضاعف، تغییر نگرش‌ها و باورها، تغییر انتظارات، منابع درآمدی جدید، عوامل خارجی تاثیرگذار بر توسعه‌نیافتگی، نقش ناچیز عوامل درونی بر توسعه‌نیافتگی، توسعه‌نیافتگی منطقه‌ای، عدم تاثیر خصایل گروهی بر توسعه‌نیافتگی	نگرش‌ها و باورهای اِتنیکی	خُلُقیات فرهنگی
	تاثیر پایین ویژگی‌های گروهی بر توسعه‌نیافتگی	
ارتباطات دوستانه‌ی بین قومی، هنجارهای فرهنگی، برابری قومی، تفرقه‌ی قومی، باور به عدم تعامل سازنده، حفظ فاصله‌ی اجتماعی، فرهنگ مادی، ارزش‌های فرهنگی، نگرش‌ها، دوگانه‌سازی خودی و غیرخودی، نگرش منفی نسبت به اقوام دیگر، تعامل، عقاید و افکار قدیمی، قضاوت ارزشی، غیریت‌سازی	ارتباطات میان فرهنگی	روابط بینا فرهنگی
	مرزهای اجتماعی	
	هویت فرهنگی	
	همبستگی اجتماعی	
	ناهمسازی	
	کاهش مشارکت اقتصادی بین گروهی	
	الگوهای بازانديشي	

مقاله	کدها	مفاهیم
واگرایی قومی - توسعه نیافتگی	قطبی سازی قومی	تفاوت های فرهنگی، تحولات اقتصادی، جدایی گزینی، موانع فرهنگی، چندپارگی قومی
	سیاست گذاری فرهنگی	
	منازعات اتنیکی	
توسعه توسعه نیافتگی	بیکاری	نازیبایی بصری شهر، شهر بی تحرک و ایستگاه کوچ اجباری، مهاجرت نخبگان، بیکاری، توسعه ی ناموزون، رشد جمعیت پایین، توسعه ی همه جانبه، روی آوردن به شغل های نامتناسب و کاذب، ایجاد خلأ های عاطفی، بیماری های جسمی و روانی
	آسیب های اجتماعی	
	مهاجرت ناخواسته	
الزامات توسعه پایدار	سیاست گذاری ویژه	توجه به زیرساخت های عمرانی، خروج از بن بست ارتباطی، تصمیمات سیاسی کارساز، دیدگاه فراقومیتی، برچیدن بساط تبعیض، شایسته سالاری در انتخاب مدیران، تقسیمات نامناسب کشوری، اصلاح تفکر قوم گرایانه، نداشتن تفکر سوگیرانه، جانبداری نکردن از گروه خاص، گسترش اندیشه ی برابر خواهانه، قانون مداری، قاعده مند کردن استخدام ها، نگرش یکسان به شهر، شایسته سالاری
	نگرش فراقومیتی	
	ضابطه مند کردن ارتباطات	

منبع: یافته های پژوهش

خلقیات فرهنگی به معنای الگوهای جمعی اعتقادی، نگرشی، هنجاری و ارزشی است که حول یک درونمایه سازمان یافته است. شکل گیری ویژگی های فرهنگی، مستلزم ارتباط بین اشخاص یک گروه و مبادله ی نقطه نظرات میان آن هاست. با توجه گفته های مصاحبه شوندگان موقعیت اقتصادی و پیشرفت نکردن گروه فرهنگی کرد زبان در این شهر چندفرهنگی به خاطر ساختار است نه عاملیت؛ کنشگران انسانی هر چقدر هم تلاش کنند اگر با موانع ساختاری که موقعیت های نابرابر را پیش پای آن ها بگذارد به راحتی نمی توانند این موانع را کنار بزنند و تلاش های اقتصادی آن ها در بیشتر مواقع با شکست مواجه خواهد شد.

"به نظر من باورهای فرهنگی و اخلاق و رفتار اقتصادی به قوم خاص مثل کردها، نمی تونه دلیل پیشرفت نکردن و عقب افتادگی اونا از نظر اقتصادی باشه. این تبعیض قومیه که باعث شده دو قوم کرد و آذری با اینکه در یک استان و یک شهر هستن و در یک شرایط جوی زندگی می کنن کردها به پیشرفتی دست پیدا نکنن در صورتی که آذری ها پیشرفت بهتری داشته باشن" (علیرضا، ۴۵ ساله، کارآفرین).

در بطن چنین مناسباتی است که ارتباطات میان فرهنگ ها و گروه های اجتماعی مختلف و چگونگی تأثیر فرهنگ بر این ارتباطات اهمیت فراوانی خواهد یافت. درواقع، تصورات قالبی و کلیشه ای گروه های فرهنگی درباره ی یکدیگر و میزان همگرایی و همبستگی اجتماعی یا فاصله ی اجتماعی میان آنان را به تصویر می کشد. به دلیل تبعیض ها و نابرابری هایی که از گذشته تاکنون وجود داشته و در ذهن مردم رسوب کرده، مردم این شهر آن چنان که باید به همدیگر اعتماد ندارند. با توجه به نظرات مصاحبه شوندگان و مشاهدات میدانی پژوهشگر، مردم این شهر تا حدودی به همدیگر بدبین هستند و سعی می کنند مرزهای اجتماعی با یکدیگر را حفظ کنند، در طول زمان این مرزبندی ها بیشتر شده و بسیاری از تعاملات و ارتباطات شکل گرفته ی قبلی الان دیگر وجود ندارد یا خیلی کم رنگ شده است. از آن جا که تصورات قالبی عموماً بار ارزشی دارند، پیشداوری و تبعیض از نتایج تصور قالبی به شمار می روند.

"بدبختانه در شهر ما مسئولین آگاهانه یا ناآگاهانه به نوع بدبینی بین کرد و آذری به وجود آورده ان، خود مردم هم نمیدونن دلیل اینکار چیه ولی چون از کودکی بهشون القا کردن با این فکر بزرگ شده ان، به زمانی بیدار میشن و به خودشون میان تازه متوجه میشن هرچی تو مغزشون تزریق کردن بیهوده بوده" (بهزاد، ۶۷ ساله، بازنشسته).

اول ما اینجوری نبودیم، تعامل بین کرد و آذری بیشتر بود، حتی ازدواج بین کرد و آذری رو داشتیم ولی به مرور زمان فاصله ی ما بیشتر شد. امروزه کمترین دادوستد، کمترین ازدواج، کمترین خریدوفروش بین کرد و آذری شکل می گیره و این به خاطر نگاه مزخرف

بالا به پایین است که در بدنه‌ی اداری و ذهنیت مسئولان هنوز وجود دارد و این فاصله رو بین مردم انداختن، اونا با تبعیض‌های ناروا کاری کردن که مردم احساس دودستگی کنن و مثل قبل نباشن" (نیما، ۳۷، ساله، شغل آزاد).

از این رو، چندگراییِ اِتنیکی (فرهنگی) و تنوع قومی در این شهر نه تنها به فرصتی برای هم‌افزایی و پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای تبدیل نشده بلکه تهدیدی برای توسعه‌ی اقتصادی و انسانی به‌شمار می‌رود. عدم انسجام گروه‌های قومی و دوقطبی‌شدن آن باعث ایجاد تضاد منافع گروه‌ها و رقابت‌های غیرسازنده برای دسترسی هرچه بیشتر آن‌ها به منابع شده است. تبعیض‌های نهادینه‌شده علیه اقلیت‌های قومی اصولاً همگرایی و وحدت میان گروه‌های فرهنگی را کم کرده است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان ارتباط چندفرهنگی‌بودن و توسعه‌ی اقتصادی رو منفی ارزیابی می‌کردند و چندپارگی قومی، دوقطبی‌شدن و عدم انسجام گروهی و چنددستگی بودن رو عامل اصلی توسعه‌نیافتگی این شهر عنوان کردند.

"به نظرم مشکلات قومیتی که در این شهر وجود دارد پایه‌ی مشکلات بزرگتره، شعر «خانه از پای‌ست ویران است» مصداق همین شهر است. زندگی و توسعه‌ی شهر ما چیزی جدا از تصمیمات و سیاست‌هایی که در تهران و مرکز گرفته میشه نیست. تغییر تفکر قومیتی هم باعث میشه خیلی از استعدادهایی که در این مناطق هدر می‌رود بتوانند داخل بازار کار شوند و باعث پیشرفت بشن" (سروش، ۲۵، ساله، معلم).

از آنجا که حذف گروه‌های قومی امکان‌پذیر نیست، پس مردم مناطق چندفرهنگی می‌بایست تعامل بین‌گروهی خود را افزایش داده و سعی کنند به تفاوت‌های فرهنگی و خرده‌فرهنگ‌های سایر گروه‌های قومی که به ناچار در یک منطقه‌ی جغرافیایی واحد زندگی می‌کنند احترام بگذارند. یکی از مکانیسم‌ها و سازوکارهای توسعه، آگاهی‌بخشی، همگرایی و تحمل اعضای سایر گروه‌های فرهنگی است. آن‌ها باید به این فهم و درک مشترک برسند که در صورت همکاری و کنارگذاشتن تصورات قالبی می‌توانند به توسعه‌ی شهر کمک کنند و نهایتاً همه‌ی آن‌ها از این توسعه‌یافتگی منتفع خواهند شد.

"اولین قدم، اجرای عدالت است واقعا با یه دید به بالا و پایین نگاه کنن، این دو قوم رو با یه چشم نگاه کنن براشون مهم نباشه که فلانی کرده، آذریه، شیعه‌ست یا سنی. هرکدام توانایی و شایستگی داشته باشن رو بیرن سرکار. چرا تو برگه‌ی آزمون استخدامی نوع زبان و مذهب شما پرسیده میشه؟ اگه واقعا شما نیروی کار براتون مهمه این گزینه رو پاک کنن، اگه با یه نگاه همه رو ببینن مطمئناً کردها هم پیشرفت زیادی میکنن و در مجموع کل شهر پیشرفت میکنه" (محمد، ۳۵، ساله، تعمیرکار).

در شهرهای توسعه‌نیافته، شهروندان به مسئولین بی‌اعتماد شده و نسبت به آن‌ها احساس بدبینی پیدا می‌کنند و در شهرهای چنداِتنیکی این بی‌اعتمادی و بدبینی نه تنها نسبت به کارگزاران بلکه در میان اقوام هم وجود دارد. شکاف میان دولت و مردم، بی-تفاوتی نسبت به کارگزاران نهادی، تخریب‌گری، عدم مشارکت اجتماعی، مهاجرت و غیره از جمله پیامدهایی است که توسعه‌نیافتگی مناطق چندفرهنگی به بار می‌آورد.

"مسئولین در این شهر نسبت به حل مشکلات بی‌تفاوت شده‌ان و این شهر، از کمترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی برخوردار نیست. این شهر به‌دست فراموشی سپرده شده و در راستای حل بحران‌های زیست‌محیطی و بیکاری و زیرساخت‌ها، کاری برای این شهر و مردمش انجام نشده است" (سامان، ۳۷، ساله، کارمند کانون قلم‌چی).

"وندالیسم اجتماعی از پیامدهای توسعه‌نیافتگی است. در بخش بزرگی از این جامعه‌ی شهری، تعلق شهروندی وجود نداره چون به خاطر تبعیض روزمره و نابرابری‌هایی که در حق بعضی از شهروندان می‌شود آن شخص، خود را شهروند درجه اول نمی‌دونه و چون تعلق خاطری وجود نداره اصولاً مشارکتی انجام نمیشه و چون بخش بزرگی از توسعه‌ی شهری به خاطر مشارکت مردمی است بدون همکاری مردم توسعه اتفاق نخواهد افتاد" (نیما، ۳۷، ساله، شغل آزاد).

مهاجرت یکی دیگر از بزرگترین پیامدهای توسعه نیافتگی این شهر است. معادن این شهر نه تنها به فرصتی برای توسعه و اشتغال مردم این شهر تبدیل نشده بلکه به خاطر عوارض زیست محیطی معادن و بیکاری روزافزون بیشتر مردم ترجیح می دهند که از این شهر مهاجرت کنند.

"پیامد توسعه نیافتگی آن چیزی است که در این شهر می بینیم. آثار نابرابری توسعه در هر نقطه‌ای کره زمین که باشد نتیجه اش این است که مردم آن شهر مهاجرت می کنند، آن شهر به محیطی مهاجرفرست تبدیل میشه و مهاجرپذیر نخواهد بود و شهر رو به خرابه میره، چه اونایی که پول دارن چه اونایی که پول ندارن دلشون رو به دریا میزنن و از این شهر میرن" (علی، ۴۶ ساله، دبیر). شهر تکاب، یکی از بزرگترین شهرهای معدنی ایران می باشد. دارای دو معدن بزرگ طلا، انواع سنگ های معدنی و تزئینی است. این شهر با داشتن مجموعه ای باستانی تخت سلیمان یکی از بزرگترین شهرهای ایران در زمینه ی توریسم است ولی با وجود پتانسیل رشد و توسعه، نسبت به بسیاری از شهرهای همجوار که توسعه ی نسبی پیدا کرده اند، کوچکترین توسعه ای پیدا نکرده و عقب ماندگی این شهر به یک معمای بزرگ تبدیل شده است. نقش دولت در توسعه نیافتگی و بازتولید فقر در این شهر غیرقابل انکار است. یکی از بزرگترین الزامات که برای توسعه ی این شهر بسیار ضروری است تجدیدنظر کردن در نوع سیاست گذاری منطقه ای و استفاده از ظرفیت های این شهر و تبدیل کردن آن به قطب تجاری و صنعتی در استان است.

"حاکمیت خودش باید برای اصلاح تفکرات پیشقدم شود امکانات و خدمات شهر به نسبت برابر میان مناطق تقسیم بشه. وقتی ما در پرجمعیت ترین منطقه ی شهر امکانات رفاهی و ورزشی نداریم آسیب اجتماعی در این مناطق به وجود میاد. من اگر در این منطقه ی کردنشین بخوام واسه ی هواخوری بیرون برم نه بوستانی وجود داره نه فضای سبزی، این یکی از نمونه هاست" (امیر، ۳۸ ساله، معلم آموزشی).

از عوامل دیگر توسعه نیافتگی به باور اکثریت مصاحبه شوندگان، انتخاب مدیران ناشایست و غیرمتخصص، کم سواد و غیربومی است که بزرگترین موانع و کارشکنی را برای سرمایه گذاران و توسعه ی این شهر به وجود آورده اند. انتصاب این افراد نامناسب در پست های مهم و کلیدی مدیریتی و تصمیم گیری نیز به خود دولت برمی گردد و در این زمینه نیز دولت باید عزم خود را برای برکناری این افراد بی کفایت گرفته و اشخاص باسابقه و مدبر و کارکشته را بر سر کار بیاورد.

"مدیری که توانایی کاری نداشته باشه، تخصص مرتبط نداشته باشه و سرکار باشه و برای یه شهر تصمیم بگیره باعث عقب ماندگی شهر میشه؛ برای مثال مدیری که تحصیلاتش شهرسازی نباشه بشود شهردار، چگونه میتونه درآمدهای اقتصادی که وارد شهر میشه رو ازش برای توسعه ی شهر استفاده کنه. مسئله ی تبعیض به نظر من خیلی مهمه، یه عده بی انگیزه و بی سلیقه هستن که در شهر تکاب کار انجام میدن و سنگ اندازی می کنن، صاحبان صنایع هم یه سری امکانات دستشونه و اگر دلشون برای ما نمی سوزه حداقل در حوزه ی اجتماعی کمی هزینه کنن، چندین شرکت بزرگ هست به خاطر اینکه درآمدهای خاص خودشون رو دارن در کنارش فعالیت های اجتماعی هم داشته باشند مثل ساختن مدارس، کتابخونه (نوید، ۴۳ ساله، پیمانکار)."

توجه به زیرساخت ها و جاده های ارتباطی و بین شهری و رفع تبعیض قومی و تخصیص متوازن بودجه و توزیع عادلانه ی امکانات در این شهر باعث همگرایی بین گروه های فرهنگی شده و موجبات قرار گرفتن در ریل توسعه را به وجود می آورد. توسعه ی نامتوازن در نهایت باعث توسعه نیافتگی کل شهر می شود. بسیاری از مصاحبه شوندگان به دفعات به نامناسب بودن خطوط ارتباطی و توسعه ی نامتوازن به عنوان یکی از موانع توسعه ی پایدار اشاره کردند.

"در بخش ارتباطی و مواصلاتی جاده ی بین شهری تکاب_ دیواندره و سقز رو به عنوان جاده اصلی به رسمیت نمیشناسن و از آن به نام جاده فرعی تعبیر می کنن و بارها برام پیش اومده تو این جاده زمستان گیر افتادم" (احمد، ۵۰ ساله، کشاورز نمونه).

علاوه بر موارد بالا که اشاره شد «کشاورزی صنعتی»، «شیوهی مدیریت» و «توسعهی زیرساخت‌های ارتباطی» سه مؤلفه‌ای هستند که می‌توانند نقش کلیدی را در توسعهی متوازن این شهر ایفا کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه بحث قومیت و نقش آنها در توسعه جوامع یکی از مسائل اساسی در تمامی کشورهای جهان به‌ویژه در جوامع چند قومیتی است. کشور ما نیز از جمله کشورهای چندقومیتی است و همواره این مسئله همراه با چالش‌ها و مسائل گوناگونی بوده است که سطوحی از نابرابری، تبعیض و در مقاطعی واگرایی را به دنبال داشته است. نگاهی به مدل توسعه در ایران ما را به سمت نقش نهادها و دستگاه‌های سیاست‌گذار در این زمینه رهنمون می‌سازد که قالب غالب سیاست‌گذاری‌ها را به خود اختصاص داده است و در قالب همان مدل مرکز-پیرامون، خود را در مدل‌های دیگر مانند اقوام کرد و ترک، یا بلوچ و فارس نشان داده است.

پژوهش حاضر با هدف بازنمایی روابط بین‌فرهنگی، مناسبات اجتماعی و اقتصادی در مناطق چندفرهنگی و همچنین نشان دادن ارتباط چندگرایی فرهنگی با موفقیت اقتصادی اقوام مختلف و تاثیر تنوع قومی و قطبی‌بودن جوامع بر فرآیند توسعه در شهر چندفرهنگی تکاب انجام شده است. یافته‌های پژوهش مؤید آن است که روند توسعه در این شهر ناموزون بوده، توسعه‌نیافتگی منطقه‌ای در مناطق کردنشین اتفاق افتاده و تفاوت زیادی بین وضعیت اقتصادی گروه‌های فرهنگی و برخورداری مناطق محل سکونت آنان از نقطه‌نظر دسترسی به منابع اقتصادی، امکانات و زیرساخت‌های شهری وجود دارد.

گروه فرهنگی آذری‌زبان به میانجی برخورداری از حمایت‌های دولتی و کارگزاران نهادی، سهم بیشتری از استخدام در دستگاه‌های دولتی و معادن جامعه مورد مطالعه را به مثابه دو میدان مهم اقتصادی دارند. این وضعیت در درازمدت مسئله نابرابری اقتصادی را تعمیق بخشیده و در بزنگاه‌های مهم مانند انتخابات تنش‌ها را برجسته می‌سازد. کردها بیشتر در مشاغل رده‌پایین و زیان‌آور با بهره‌وری پایین کار می‌کنند. فضا در این شهر به گونه‌ای بسیار نامتوازن توزیع شده است به‌نحوی که مناطق کردنشین با وجود داشتن تراکم جمعیتی بالا، از نابرابری در توزیع کاربری‌های عمومی و خدمات شهری رنج می‌برد. توزیع سرانه‌ی فضای آموزشی، فضای سبز و فضای ورزشی در مناطق کردنشین بسیار پایین بوده و بهره‌وری ناهمسان از فعالیت‌های اقتصادی و چگونگی بر ساخت امکانات شهری سبب انسداد اقتصادی، فقدان عدالت فضایی، گسترش فقر و نارضایتی اجتماعی در این شهر شده است. با اینکه گروه فرهنگی کردزبان، بیشتر بافت جمعیتی این شهر را تشکیل می‌دهد فاقد قدرت اجتماعی تعیین‌کننده بوده و دسترسی آنان به منابع قدرت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کمتر است.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که تمایزات اقتصادی در این شهر چندفرهنگی به‌دلیل ویژگی‌ها و خُلقیات فرهنگی گروه‌های قومی نیست بلکه ناشی از عوامل ساختاری و سیاست‌گذاری‌های کلان است؛ قومیت، یکی از عوامل مهم شکل‌دهنده مناسبات اقتصادی است و تنوع قومی، تاثیر قابل توجهی بر رشد و توسعهی اقتصادی دارد. تبعیض قومی که به‌میانجی سیاست‌های نهادی در این شهر اعمال می‌شود سبب کم‌رنگ‌تر شدن ارتباطات میان‌فرهنگی و افزایش واگرایی قومی میان گروه‌های فرهنگی نسبت به گذشته شده است. این گروه‌ها با یکدیگر غیریت‌سازی می‌کنند و سعی می‌کنند فاصله و مرزهای اجتماعی مشخصی با یکدیگر داشته باشند. درواقع، توسعهی نامتوازن اقتصادی و بازتولید وضعیت مرکز-پیرامون در این شهر، منجر به تولید ذهنیت منفی در میان اعضای گروه‌های فرهنگی و کاهش اعتماد بین‌گروهی شده است. چنانکه این جنبه‌ها از تنوع قومی، منجر به کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش درگیری و تعارض منافع گروه‌های مختلف شده و روند توسعه را با چالش مواجه کرده است.

یکی از راهکارهای پژوهش حاضر برای جلوگیری از نفاق، تفرقه‌ی قومی و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی به‌وجودآمدن انسجام و اتحاد میان گروهی و ایجاد تشکلهای سازمان‌های مردم‌نهاد برای به‌نتیجه‌رسیدن مطالبه‌ها و خواسته‌های توسعه‌محور است. توسعه‌ی فرهنگی و مقاومت سازمان‌یافته در برابر تبعیض قومی و اعتراضات جمعی به نابرابری‌های اجتماعی از طریق تشکلهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد و سندیکاها یکی از مؤلفه‌های اساسی در برابری منطقه‌ای و کسب بودجه‌ی متوازن برای مناطق مختلف شهری است و انسجام اجتماعی باعث پایه‌گذاری کنشگری‌های مدنی، انواع جنبش‌ها و حرکت‌های توسعه‌خواهانه می‌شود.

منابع

- آلتوسر، لویی (۱۳۸۶) *ایدئولوژی و سازوبرگ‌های ایدئولوژیک دولت*، ترجمه روزبه صدر آرا، تهران: نشر سرچشمه.
- امانی، حامد (۱۳۹۸) توسعه‌نیافتگی شهر تکاب؛ معلول شرایط جغرافیایی یا مسائل مدیریتی؟، *پایگاه خبری تحلیلی برزن‌نیوز*، barzannews.ir.
- ایتزن، دی. استنلی، ماکسین باکا، زین و کلی ایتزن، اسمیت (۱۳۹۶) *مسائل اجتماعی از دیدگاه انتقادی*، ترجمه هوشنگ ناییبی در دو جلد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- برنر، نیل (۱۳۹۶) *نظریه شهری انتقادی چیست؟*، ترجمه آیدین ترکمه، برگرفته از وب‌سایت فضا و دیالکتیک.
- پولانزاس، نیکوس (۱۳۸۹) *طبقه در سرمایه‌داری معاصر*، ترجمه حسن فشارکی و فرهاد مجلسی‌پور، تهران: انتشارات رخ‌داد نو.
- ترابی، یوسف و مجیدی، یوسفعلی (۱۳۹۴) بررسی چگونگی مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۳(۱۱)، ۹-۲۹.
- جلایی‌پور، حمیدرضا، باینگانی، بهمن (۱۳۹۵). مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای اقتصادی بازار و تجارت مرزی: اتنوگرافی انتقادی بازار مرزی بانه، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۵(۴)، ۵۷۳-۵۸۹. [doi: 10.22059/jisr.2017.60887](https://doi.org/10.22059/jisr.2017.60887).
- رضایی، زهرا (۱۳۸۶) توسعه اجتماعی در ایران: شاخص‌ها و موانع، *نشریه پژوهشنامه*، ۱۴(۱)، ۴۸-۱۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۸) *سالنامه آماری*. گزارش آماری بخش جمعیت و نیروی انسانی. <https://www.amar.org.ir>.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۳) *فرهنگ، هنر و توسعه*، ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نشر چشمه.
- صفایی‌پور، زهرا و آزادخانی، پاکزاد (۱۳۹۹) بررسی نقش قومیت در دستیابی به توسعه پایدار شهری، *مجله علوم جغرافیایی*، ۱۶(۳۳)، ۱۰۸-۱۱۹.
- فرهادی، محمد و کاظمی، علی (۱۳۹۲) توسعه اقتصادی-اجتماعی، قومیت و مشارکت سیاسی، *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۲(۴)، ۵۷۱-۵۹۶. [doi: 10.22059/jisr.2013.52286](https://doi.org/10.22059/jisr.2013.52286).
- گرگی، عباس، گودرزی، سعید (۱۳۹۷). درآمدی بر بنیان‌های فلسفی و روش‌شناختی مردم‌نگاری انتقادی؛ با تأکید بر مردم‌نگاری انتقادی کارسپیکن، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۹(۴)، ۱۳۹-۱۷۲. [doi: 10.22034/jsi.2018.38240](https://doi.org/10.22034/jsi.2018.38240).
- لوفور، هانری (۱۳۹۳) *ماتریالیسم دیالکتیکی*، ترجمه آیدین ترکمه، تهران: نشر تیسرا.
- مدیسون، سویینی (۱۳۹۷) *روش‌ها، علم/اخلاق و اجرا در مردم‌نگاری*، ترجمه فهیمه سادات کمالی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- موسوی، صدرالدین و قمریان، ناهید (۱۴۰۱) جایگاه توسعه قومی در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران. *اندیشه سیاسی در اسلام*، ۹(۳۲)، ۱۲۵-۱۵۰.
- هاروی، دیوید (۱۳۹۸) *امپریالیسم جدید*، ترجمه حسین رحمتی، تهران: نشر اختران.
- والرشتاین، ایمانوئل (۱۹۶۷ و ۲۰۰۱) *ابعاد رویکرد نظام جهانی*، در *نظریه‌های روز جامعه‌شناسی از اینشتات تا پسامدرن‌ها*، ویراسته دیرک کسلر (۱۳۹۴)، ترجمه کرامت‌اله راسخ، تهران: نشر آگه.
- ویمر، آندره اس (۱۳۹۶) *مرزبندی قومیتی: نهادها، قدرت و شبکه‌ها*، ترجمه محمدرضا فدایی، تهران: نشر کتاب شیرازه ما.